

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال هشتم ♦ شماره ۱۶ ♦ پاییز و زمستان ۱۴۰۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۲ ♦ صفحات: ۷-۲۸

تروریسم به نام اسلام، مطالعه موردی مقایسه بین القاعده و بوکوحرام

حامد آل‌یمین*

ابوبکر موسی‌علیو**

چکیده

القاعده در گستره بین‌الملل و بوکوحرام در مرزهای نیجریه، با رویکرد تقریباً مشابهی به اقدامات تروریستی می‌پردازند. اقدامات تروریستی این دو گروه به میزانی گسترده و خشونت‌بار است که در تمام کشورها، مورد توجه قرار گرفته و حتی دیگر مسلمانان غیر مرتبط با این سازمان‌ها نیز، از تبعات اقدامات آنها در امان نیستند. از مهمترین شاخص‌ترین ویژگی‌های القاعده و بوکوحرام، تأکید بر مذهب و رویکرد سیاسی در آنها است. در اهداف، مبانی، روش و رویکرد دینی این دو سازمان، اشتراکات فراوانی وجود دارد. برخی از این اشتراکات، برتر دانستن دیدگاه خود، خوانش جدید از مفاهیم اسلامی، تأکید بر جهاد و دعوت دیگران، تشکیل حکومت سیاسی، کشتن مخالفان خود و تشکیل حکومت مستقل می‌باشد. دو فرقه مذکور، تنها خود و پیروان خود را مسلمان می‌خوانند و با وعده‌های دروغین و استفاده از ابزار دین، سیاست و پول، افراد زیادی را وارد گروه خود می‌کنند. القاعده دارای تشکیلات به‌روزتر و گسترده‌تری است؛ اما بوکوحرام تشکیلات ضعیف‌تر و کوچک‌تری دارد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی میان رویکرد این دو سازمان، مقایسه‌ای انجام داده است تا تمایزات و تشابهات میان آنها واضح گردد.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، القاعده، بوکوحرام، مذهب، سیاست، جهاد.

* استادیار بخش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه تهران؛ aleyamin@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری مدرسی مبانی نظری اسلام، دانشگاه تهران؛ sadiqaliyu50@gmail.com

۱. مقدمه

تروریسم در جهان، همچنان در حال گسترش است. تنها در سال ۲۰۱۳م، ۱۸۰۰۰ نفر در حملات تروریستی کشته شدند. بر اساس شاخص جهانی تروریسم، در سال ۲۰۱۴م، تروریسم ۶۱ درصد نسبت به سال قبل، و ۵ برابر نسبت به سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است. بیشترین مرگ‌ومیرها، (۶۶ درصد)، توسط طالبان، بوکوحرام، داعش و القاعده رخ داده است.^۱ تروریسم به‌وضوح، یک مسئله برای کل جهان شده است؛ به‌همین دلیل، داشتن استراتژی‌هایی برای شکست آن ضروری است. قبل از اینکه بتوان آن را شکست داد، باید درک کرد که چرا بسیاری از افراد در وهله‌ی اول، به آن روی می‌آورند. این مقاله رویکرد بوکوحرام و القاعده را مورد بررسی قرار خواهد داد و هدف اصلی آن، یافتن علت شکل‌گیری این گروه‌ها، اهداف آنها و همچنین نحوه عملکرد آنها خواهد بود. فهم تروریسم به‌طور کلی، می‌بایست بر اساس چهارچوبی تعیین شده مورد بحث قرار گیرد؛ همچنین، باید این پدیده را بر اساس هر سازمان، به‌صورت جداگانه بررسی کرد. از آنجایی که تمام گروه‌های تروریستی، اهداف یا روش‌های مشابهی برای اجرای روند فعالیت‌های خود ندارند، بررسی علل شکل‌گیری، اهداف و روند اقداماتشان به‌صورت مقایسه‌ای، به درک جامع‌تری نسبت به آنها کمک خواهد کرد.

بوکوحرام و القاعده دو سازمان تروریستی با رویکرد دینی هستند که بیشترین موارد اقدام تروریست و کشتار را در کارنامه خود دارند که به‌عنوان هسته‌های ترور، با رویکرد اسلامی محسوب می‌شوند. این مقاله نشان خواهد داد که چه عواملی در رشد و گسترش ایشان، به‌عنوان دو گروه تروریستی در کشتار مردم، تاثیرگذار بوده است. نظریه‌های مختلف و تلاش‌های متعددی برای شناسایی منشأ تروریسم و چرایی ایجاد آن انجام شده است. پیش از ورود به بحث، می‌بایست مفهوم تروریسم مشخص شود. از آنجا که بیش از صد تعریف سیاسی و توضیح علمی درباره تروریسم وجود دارد، شناسایی یک علت و منشأ اصلی برای آن بسیار دشوار است. همین امر باعث شده، تا یک تعریف علمی از تروریسم، تقریباً غیرممکن گردد. بروس هافمن آن را چنین توصیف می‌کند: ایجاد ترس و بهره‌برداری عمدی از آن، از طریق خشونت یا تهدید به

1. Höjer, H, Forskning och Framsteg. Hämtat från Antal döda i terrordåd år.

خشونت، به منظور ایجاد تغییر سیاسی.^۱

در مورد چرایی پیدایش تروریسم در وهله‌ی اول، تئوری‌های اقتصادی مطرح می‌شود، که نشان می‌دهد، تروریسم با فقر مرتبط بوده و در مناطق کمتر برخوردار از جهت اقتصادی، مردمی که فرصت‌های اقتصادی و شغل برایشان مهیا نشده، تصمیم می‌گیرند که به سمت آن بروند. از دیگر عوامل در پیدایش تروریسم، عوامل سیاسی هستند. در اینجا، نظریه‌پردازان با استدلال و ارائه شواهد نشان می‌دهند که افراد، هنگامی که با یک دولت بی‌پاسخ یا سرکوب‌گر روبرو هستند، به سازمان‌هایی که بر اساس ترور بنا شده‌اند می‌پیوندند. عامل دیگر، عامل مربوط به جمعیت‌شناسی است که میزان جمعیت، جغرافیا، اختلافات قومی یا مذهبی در جامعه، باعث گسترش حمایت از تروریسم می‌شود. سرانجام، ایده‌هایی با رویکرد فردی یا روان‌شناختی وجود دارد که به خصوصیات شخصی اشاره می‌کند و باعث ترغیب مردم به اقدامات تروریستی می‌شود؛ البته در میزان تاثیر این عامل فردی و روان‌شناختی و اثبات آن، نیازمند تحلیل‌ها و شواهد بیشتری است.^۲

در واقع تروریسم، یک پدیده پیچیده و چند متغیره است که در شکل‌های مختلف، در بسیاری از نقاط جهان ظاهر می‌شود و می‌توان اثرات آن را در کشورهای دموکراتیک، خودکامه، ابرقدرت، توسعه‌یافته، توسعه‌نیافته و در حال توسعه پیدا کرد. نکته مشترک همه سازمان‌های تروریستی این واقعیت است که همه آنها از دشمنان خود ضعیف‌تر هستند. آنها آماده هستند تا افراد بی‌گناه را برای حفظ اهداف خود بکشند؛ بنابراین استفاده از تروریسم به‌عنوان یک تاکتیک، برای ایجاد تغییرات سیاسی، یک انتخاب آگاهانه است. با اینکه گروه‌های تروریستی با یکدیگر متفاوت هستند، به‌راحتی می‌توان نقاط مشترکی در میان تمام آنها یافت. تروریسم از نظر ایدئولوژی، متفاوت از دین و جوامعی است که از آن حمایت می‌کند. تروریسم ابتدا توسط گروه‌هایی که در مناطق محلی خود فعالیت می‌کردند آغاز و تا جایی پیش‌روی کرد که امروزه، تبدیل به یک رویداد جهانی شده است و متأسفانه، به‌نظر می‌رسد، درگیری‌های جهانی، الهام‌بخش و محرک گروه‌های

1. Mahan, S & Griset, P, *Terrorism in Perspective*, P 4.

2. Helfstein, S, "Socail Capital and Terrorism.", pp, 364-65.

تروریسم محلی هستند.

۱/۱. چهارچوب نظری بحث

در این مقاله، گروه‌های تروریستی القاعده و بوکوحرام بررسی خواهد شد. این گروه‌ها توسط چهار نظریه (بر اساس آنچه باعث ایجاد تروریسم می‌شود)، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این چهار نظریه عبارت‌اند از عوامل اقتصادی، مذهبی، سیاسی و روانی.

هدف این است که یک تحلیل تطبیقی میان القاعده و بوکوحرام، به‌عنوان مواردی برای آگاهی از علت، اهداف و روند آنها انجام شود. با استفاده از این نظریه‌ها، سعی در پاسخ به سوالات زیر وجود دارد:

۱. علل شکل‌گیری سازمان القاعده و بوکوحرام چیست؟

۲. سازمان القاعده و بوکوحرام چه اهداف و راهبردهای سیاسی، اقتصادی و مذهبی را دنبال می‌کنند؟

۳. القاعده و بوکوحرام برای دستیابی به اهداف خود، چه اقداماتی انجام می‌دهند؟

تمام سازمان‌های تروریستی موجود، اهداف یکسانی ندارند. درک اهداف و رویکردها و راهبردهای گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی و تمایز و تشابه میان آنان، نیاز به بررسی مقایسه‌ای میان آنها دارد. سازمان القاعده و بوکوحرام، به‌عنوان دو سازمان تروریستی شناخته شده‌اند که حملات تروریستی آنها، بیش از سایر گروه‌های بوده و هر یک در مناطق محلی توانسته‌اند در زندگی روزمره مردم، اختلال ایجاد کنند؛ از این‌رو، در میان انبوه گروه‌های تروریستی، این دو سازمان و گروه، مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. این گروه‌ها علی‌رغم شباهت‌ها، تفاوت‌های زیادی نیز دارند که بررسی آنها با رویکرد مقایسه‌ای و مطالعه موردی می‌تواند، نوع مواجهه با آن را از منظر فکری، فرهنگی و نیز سیاسی و اقتصادی اصلاح نماید. با بررسی سوالات مطرحه، درک عمیق‌تری از گروه‌های تروریستی به‌وجود خواهد آمد. در این رویکرد بر جنبه‌هایی از القاعده و بوکوحرام تأکید می‌شود که ممکن است در یک تجزیه و تحلیل کمی، برجسته نشده باشد.^۱

۱/۲. پیشینه تحقیق

بسیاری از تحقیقات انجام شده درباره تروریسم و نظریه‌های رایج درباره خاستگاه و علل آن، در کتاب تروریست‌ها چه می‌خواهند، توسط ریچاردسون جمع‌آوری و به خوبی توضیح داده شده است. به دلیل پیچیدگی در هر گروه تروریستی، تجزیه هر یک از این سازمان‌ها، به قطعات جامع و کوچک‌تر، قبل از بررسی آنها ضروری است. برخی از مهمترین تحقیقات انجام شده در این زمینه، کتاب تروریسم سیاسی، راهنمای بازیگران، نویسندگان، مفاهیم، پایگاه‌های اطلاعاتی، نظریه‌ها و ادبیات نگارش اشمید و جونگمن^۱ است. در این کتاب، تروریسم از جنبه‌های مختلف بررسی می‌شود و از جمله نظریات مختلف درباره منشاء آنچه به ادعای او تروریسم نامیده می‌شود، مورد واکاوی قرار گرفته است. در مورد القاعده، مطالعات زیادی در مورد ساختار سازمان آن انجام شده است. برخی از آنها عبارت‌اند از: کتاب ساختار تشکیلاتی القاعده و تحولات آن^۲ که توسط گونارتنا به رشته تحریر درآمده است.^۳ کتاب شبکه القاعده چهارچوبی جدید برای تعریف دشمن^۴ توسط زیمرمن^۵ و کتاب موفقیت، کشندگی و ساختار هسته در ابعاد القاعده^۶ توسط هلفشتاین و رایت^۷ در این زمینه نگاشته شده است. در مورد بوکوحرام، مطالعات و تحقیقات کمتری نسبت به القاعده انجام شده است. کتاب قیام بوکوحرام و احیای اسلامی در نیجریه^۸ و کتاب بین میتسینه و بوکوحرام، بنیادگرایی اسلامی و واکنش دولت نیجریه توسط آدسوجی^۹ و کتاب فعالیت‌های بوکوحرام و سوال ناامنی در نیجریه توسط چیچیوکه، اوکپالا و اوکچوکوو اینوسنت روانه بازار نشر شده است.^{۱۰}

1. Schmid and Jongman.
2. "Al Qaeda's organizational structure and its evolution".
3. Gunaratna.
4. "The al Qaeda Network a New Framework for Defining the Enemy".
5. Zimmerman.
6. "Success, Lethality, and Cell Structure Across the Dimensions of Al Qaeda".
7. Helfstein and Wright.
8. "The Boko Haram Uprising and Islamic Revivalism in Nigeria".
9. Adesoji.
10. Chijioke, Okpaga & Okechukwu Innocent," Activities of Boko Haram and Insecurity



۲. نگاهی به القاعده و بوکوحرام

۲/۱. القاعده

برای شناخت القاعده، باید مغز متفکر و رهبر سابق سازمان، اسامه بن لادن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. وی حدود سال ۱۹۵۷م، در یک خانواده ثروتمند در عربستان سعودی متولد و بزرگ شد.^۱ بن لادن اولین بار در طول تحصیلات دانشگاهی خود در عربستان سعودی، با موضع گیری در وقایع سیاسی عربستان، به دنیای سیاست وارد شد. هنگامی که در سال ۱۹۷۹م، اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان حمله کرد، بن لادن برای آموزش نظامی به پاکستان رفت. با توجه به حضور قابل توجه افراط‌گرایان، فرصت طلبان، نظامیان و نیروهای امنیتی در پیشاور، القاعده در این شهر ایجاد شد.^۲ بن لادن با ثروت و مهارت‌های سازمانی خود، به آموزش هزاران جوان عرب و مسلمان در زمینه مهارت‌های جنگ و ترور پرداخت^۳ و با خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان به عربستان بازگشت. حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰م، و اجازه عربستان سعودی به نیروهای آمریکایی برای استفاده از خاک این کشور، نقطه عطفی برای فعالیت‌های بن لادن بود. او مبارزه با آمریکا را جهاد مقدس عنوان کرد؛ زیرا کافران، حق اشغال سرزمین‌های اسلامی را ندارند. مبارزه وی با عربستان، باعث اخراجش از عربستان شد و مجبور شد تا به سودان برود و به آموزش و جذب تروریست‌های جدید پردازد. در این دوران در افغانستان، طالبان، یک جنبش بنیادگرای اسلامی تاسیس کرد که ناشی از هرج و مرج ایجاد شده توسط شوروی و ایالات متحده بود که کشور را در پایان جنگ سرد، ترک کرده بودند. در این شرایط بود که بن لادن به افغانستان بازگشت و تحت حفاظت و حمایت طالبان قرار گرفت. بسیاری از جوانان عرب و مسلمان سراسر منطقه که در باره بن لادن و آموزش‌های بنیادین وی در فعالیت‌های تروریستی شنیده بودند، توسط وی و با کمک طالبان برای انجام انقلاب‌های اسلامی به سبک طالبان در

Question in Nigera”

1. Mahan, S & Griset, P, *Terrorism in Perspective*, P 93.

2. Sedgwick, M, “*Al-Qaeda and the Nature of Religious Terrorism.*” *Terrorism and Political Violence*, p 80.

3. Wedgwood, R, “*Al Qaeda, Terrorism, and Military Commissions.*”, P 330.



وطن خود، ثبات غرب آسیا و آسیای مرکزی و آفریقا را به خطر انداختند.^۱ طی سال‌های ۱۹۹۰م، القاعده مبارزات خود را علیه ایالات متحده ادامه داد که در نتیجه آن و پس از حملات ۱۱ سپتامبر، آمریکا علیه تروریسم اعلام جنگ کرد. این زمانی بود که اسامه بن لادن، به تحت تعقیب‌ترین مرد جهان تبدیل شده بود. زنجیره رو به افزایش اقدامات تروریستی در این دهه، چشم‌گیر است.^۲ در سال ۲۰۱۱م، او بامام، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد، عوامل سازمان سیا و ارتش، بعد از تقریباً یک دهه، بن‌لادن را کشتند؛ حتی اگر بنیان‌گذار القاعده مرده باشد، او تا به امروز رهبر القاعده باقی مانده است.^۳ القاعده امروز بسیار گسترده‌تر از زمان تاسیس آن است و مرگ بن‌لادن، تغییری در افول آن ایجاد نکرده است.

قبل از مرگ بن‌لادن، القاعده اصطلاحی برای شکل خاصی از افراط‌گرایی خشونت‌آمیز اسلامی شده بود که شامل گروه‌های مختلف تروریستی بود و به‌عنوان یک سازمان جامع، دارای ارتباطات نامنظم با شاخه‌های داخلی خود داشت.^۴ القاعده منبع الهام‌بخشی برای سایر نهادهای اسلامی در سراسر جهان است و در اکثر (چهار پنجم) فعالیت‌های تروریستی بنیادگرایی اسلامی، تحت عنوان "جهاد جهانی"، نقش دارد؛ برای همین، اکثر ویران‌کننده‌ترین حملات بین‌المللی طی سال‌های اخیر را می‌توان، مستقیماً به القاعده نسبت داد.^۵

۲/۲. بوکوحرام

بوکوحرام فرقه‌ای اسلامی مستقر در شمال نیجریه است که می‌خواهد یک کشور اسلامی خالص و حاکم بر قوانین شرعی ایجاد کند. این سازمان ادعا می‌کند که

-
1. Mahan, S & Griset, P, *Terrorism in Perspective*, P 93.
 2. Wedgwood, R, "Al Qaeda, Terrorism, and Military Commissions.", P 330.
 3. Gunaratna, R, "Al Qaeda's Organizational Structure and its Evolution." *Studies in Conflict & Terrorism*, p 1048.
 4. Venhaus, J, "Special Report: Why Youth Join al-Qaeda." United States Institute of Peace, p 2.
 5. Gunaratna, R, "Al Qaeda's Organizational Structure and its Evolution." *Studies in Conflict & Terrorism*, p 1054.



مسلمانان دروغین دولت نیجریه را کنترل می‌کند.^۱ برای شناخت بوکوحرام، داشتن فهم درست از تاریخ نیجریه مهم است. در اواخر قرن نوزدهم، نیجریه تحت حاکمیت استعمار انگلیس بود. این امر بر آموزش در شمال نیجریه تأثیر داشت که از لحاظ تاریخی تحت سلطه آموزش اسلامی بوده است؛ اما با استعمار انگلیس، آموزش غربی اعمال شد. در سال ۱۹۶۰م، نیجریه استقلال یافت و جمهوری تأسیس کرد. اولین انتخابات در سال ۱۹۶۴م، برگزار شد؛ اما دولت با کودتای نظامی در سال ۱۹۶۶م، سرنگون شد؛ تا سرانجام در سال ۱۹۹۹م، نیجریه برای چهارمین بار به دموکراسی تبدیل شد؛^۲ بنابراین حتی اگر نیجریه امروز یک ملت دموکراتیک باشد، سابقه طولانی در زمامداری حاکمان ظالم و درگیری‌های اخلاقی دارد.

خاستگاه بوکوحرام، گروهی از جوانان اسلام‌گرا در شهر میدوگوری بودند؛ به دلیل فساد در شهر و نهادهای اسلامی، بخشی از این گروه از هم گسیخته و به هجرت روی آوردند. در سال ۲۰۰۲م، این گروه از میدوگوری خارج شد و یک جامعه جدایی طلب را تحت سلطه اصول‌گرایان تندرو اسلامی در روستای کاناما (نزدیک به مرز نیجر)، ایجاد کرد. رهبر آنها (محمدعلی)، سایر مسلمانان را برای پیوستن به جنبش ضد دولت دعوت کرد تا تحت قوانین حقیقی اسلامی زندگی کنند.^۳ در سال ۲۰۰۳م، این گروه با پلیس محلی درگیر شد و بر آنها غلبه کرد و اسلحه‌های آنها را گرفت. دولت به این حمله پاسخ داد و بسیاری از آنها از جمله رهبرشان محمدعلی کشته شدند؛^۴ این اولین باری نبود که دولت نیجریه برای مقابله با تهدیدهای امنیتی، به خشونت متوسل می‌شد.^۵

بوکوحرام به دلیل عنوان «طالبان نیجریه» که محلی‌ها به آنها داده بودند و اینکه چند نفر از اعضای آن به خانواده‌های ثروتمند و بانفوذی تعلق داشتند، مورد توجه مطبوعات

-
1. Walker, A, Special Report: What is Boko Haram? p 2.
 2. Pate, A, "Boko Haram: An Assessment of Strengths, Vulnerabilities, and Policy Options", p 3-5
 3. Nkechi, A, Boko Haram and National Security Challenges in Nigeria; Causes and Solutions, P 16 .
 4. Walker, A, Special Report: What is Boko Haram?, p 3
 5. Nkechi, A, Boko Haram and National Security Challenges in Nigeria; Causes and Solutions, p16.

نیجریه و آمریکا قرار گرفت؛ با این حال، پس از اینکه آمریکایی‌ها دریافتند که این گروه تهدیدی بین‌المللی نیست، توجه کمتری به ایشان کردند.^۱

پس از حملات پلیس به مسجد در سال ۲۰۰۳ م، بازماندگان بوکوحرام به میدوگوری بازگشتند و رهبر جدید آنها (محمدیوسف) مسجدی جدید ساخت. در طی سال‌های ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۷ م، این گروه با ارائه مواد غذایی، سرپناه و کمک‌های رفاهی، افراد بیشتری را جذب کردند. بسیاری از افرادی که به این سازمان پیوستند، پناهندگان چاد و جوانان بیکار نیجریه‌ای بودند. این سازمان توسط دولت به حال خود رها شد و به آنها اجازه داده شد تا در داخل کشور ایالت (حالت خودمختاری) ایجاد کنند؛ اگرچه بودجه اداره آن مشخص نیست، اما به نظر می‌رسد، کمک‌های مردمی ثروتمندان نیجریه‌ای، درآمد این گروه باشد.^۲

نام بوکوحرام، به معنی «آموزش غربی (ازلحاظ شریعه) ممنوع است» در زبان هوسا، نامی نیست که خود گروه تروریستی و توسط بنیان‌گذاران آن گذاشته شده باشد. این نام و عنوان، توسط رسانه‌ها به این گروه تروریستی داده شد تا نشان‌دهنده نظر و اعتقاد عمومی سازمان باشد. خود گروه عنوانش را «جماعت اهل سنت برای دعوت و جهاد» اعلام می‌کند.^۳ محمدیوسف فکر می‌کرد که آموزش غربی "بوکو"، که در زمان استعمار انگلیس تحمیل شده است، فقط رنج و فقر به همراه داشته است. آموزش غربی در منطقه تحت کنترل بوکوحرام ممنوع شد و تعلیم دیدگاه آنها درباره اسلام، جایگزین آن شد. لفظ «حرام» در عنوان بوکوحرام، به معنای ممنوعیت شرعی و اسلامی است؛ به خاطر تاکید بر حرام و ممنوع بودن آموزش غربی (بوکو) این گروه بوکوحرام نامیده شده است.^۴

در سال ۲۰۰۹ م، در یکی از ایست‌های بازرسی پلیس راهنمایی و رانندگی، بین پلیس و برخی از اعضای بوکوحرام که از قبول قانون رانندگی خودداری کرده بودند،

1. Walker, A, Special Report: *What is Boko Haram?*, p 3

2. Walker, A, Special Report: *What is Boko Haram?*, p 3-4

3. Okeke Uzodike, U & Onapajo, H, *Boko Haram terrorism in Nigeria*, p 4.

4. Chijioko, U, Okpaga, A, & Okechukwu Innocent, E, *Activities of Boko Haram and Insecurity Question in Nigera*, pp, 82-83.

درگیری رخ داد که منجر به کشته شدن ۱۷ نفر از اعضایشان شد و در پی آن، در درگیری‌هایی دیگر، ۹۰۰ نفر از ایشان کشته شدند. یکی از آنها محمدیوسف بود که توسط پلیس دستگیر و سپس در بازداشت اعدام شد. این واقعه یکی از نقاط عطف اصلی سازمان تلقی می‌شود.^۱ سرکوب وحشیانه این گروه توسط دولت در سال ۲۰۰۹م، شامل کشتار مردم بی‌گناه و تخریب مدارس و مساجد بود و حس انتقام و تقابل را در بازماندگان و بستگان قربانیان تشدید کرد. انتقام‌جویی و خشونت بوکوحرام زیر نظر رهبری جدیدشان، ابوبکر شکاؤو، با ایجاد جنگ چریکی، شرایط دولت را در یک وضعیت غیرقابل کنترل قرار داد. ایشان دلیل خشونت خود را، بی‌عدالتی پلیس در مورد اعضای خود در گذشته عنوان کردند.^۲

در سال ۲۰۱۰م، این گروه دوباره به زندان نیجریه حمله کرد و در پی آن، ۷۰۰ زندانی فرار کردند که ۱۵۰ نفر از آنها، عضو بوکوحرام بودند.^۳ دولت نیجریه برای جلوگیری از اقدامات بوکوحرام، با دشواری زیادی روبرو بود؛ زیرا اکثریت مردم معتقد بودند که دولت فاسد است. مسئله دیگر این بود که بوکوحرام، در دولت و ارتش نفوذ داشت و دولت توانایی لازم برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و رصد اقدامات این گروه را برای نظارت بر ایشان نداشت؛^۴ از این رو، بوکوحرام تحت رهبری جدید خود ابوبکر شکاؤو، به یکی از کشنده‌ترین سازمان‌های تروریستی در جهان تبدیل شد.^۵

۳. علل شکل‌گیری و اهداف القاعده و بوکوحرام

درباره اهداف نهایی القاعده، نظرات مختلفی ارائه شده است؛ به نظر برخی، هدف بن‌لادن نابودی تمام اسرائیل، تغییر دین تمام جهان به اسلام یا تأسیس امپراتوری

1. Pate, A, "Boko Haram: An Assessment of Strengths, Vulnerabilities, and Policy Options", pp 12-13.

2. Okeke Uzodike, U & Onapajo, H, Boko Haram terrorism in Nigeria, p 30-31.

3. Pate, A, "Boko Haram: An Assessment of Strengths, Vulnerabilities, and Policy Options", p 13.

4. Nkechi, A, Boko Haram and National Security Challenges in Nigeria; Causes and Solutions, p 16.

5. Pate, A, "Boko Haram: An Assessment of Strengths, Vulnerabilities, and Policy Options", p 13.

اسلامی بوده است. برخی دیگر ادعا می‌کنند که بن‌لادن، به‌کارهایی که در غرب و توسط غربی‌ها انجام می‌شد اهمیت زیادی نمی‌داد. پیتر برگن اعلام کرد که جنگ بن‌لادن، همواره در مورد مسائلی مانند، خروج آمریکایی‌ها از عربستان سعودی، حمایت ایالات متحده از اسرائیل، بمباران عراق توسط ایالات متحده و... بوده است.^۱ درباره بوکوحرام هم می‌توان گفت که آنها، به‌دنبال جهاد با دشمنان هستند و تصور آنها از جهاد، برگرفته از آیات قرآن است که آنها را دعوت به مسلح شدن برای دفاع از خود در برابر دشمنان کرده و افرادی که در جریان دفاع از خود و دین خود می‌میرند، شهید هستند. هدف نهایی بوکوحرام، ایجاد یک سیستم سیاسی - اجتماعی بر اساس فهم آنان از اسلام سنتی است.^۲

۳/۱. علل و اهداف سیاسی و اقتصادی

بوکوحرام در تبلیغات خود، به‌وضوح اهداف سیاسی را عنوان می‌کند. با تجزیه و تحلیل تاریخیچه سازمان می‌توان گفت که رشد و گسترش بوکوحرام به‌عنوان یک گروه مخالف دولت، به‌خاطر سوءاستفاده سیاست‌مداران از قدرت و باقی ماندن در حکومت بوده است؛ برای همین، فقر و بی‌سوادی مردم نیجریه و نارضایتی گسترده ایشان از دولت و سیاست‌مداران، باعث گرایش آنها به‌سمت بوکوحرام شد؛^۳ با توجه به فساد گسترده دولت و تقابلس با بوکوحرام، این گروه برای نشان دادن اعتراض و اختلال در اداره حکومت، به خشونت و آدم‌ربایی ادامه می‌دهد؛ تا جایی که تغییر اساسی در شاکله دولت ایجاد شده و افرادی خارج از دولت، زمام امور را به‌دست می‌گیرند؛^۴ بنابراین بین نظریه‌های سیاسی در مورد تروریسم و وجود بوکوحرام، ارتباط شدیدی وجود دارد.

برخی از محققین معتقدند که قرار دادن القاعده در ارتباط با عوامل سیاسی دشوارتر است؛ به‌خاطر اینکه القاعده، یک گروه بزرگ و بسیار گسترده تروریستی است. این سازمان از ابتدا ادعا کرده بود که آنها در حال جنگ با غرب و به‌ویژه با ایالات متحده

1. Carnegie Council, "Holy War, Inc: Inside the Secret World of Osama bin Laden.", p 12.

2. Okeke Uzodike, U & Onapajo, H, *Boko Haram terrorism in Nigeria*, p 28.

3. Onuoha, F, "Special Report: Why Do Youth Join Boko Haram.", pp5-7.

4. Nkechi, A, *Boko Haram and National Security Challenges in Nigeria; Causes and Solutions*, p16.

هستند.^۱ حتی اگر القاعده طی سال‌های گذشته، اقدامات تروریستی وحشتناکی را انجام داده باشد، به نظر می‌رسد که این سازمان، هرگز نتوانسته، کشورهای مبتنی بر دموکراسی غربی را نگران تغییرات بزرگ سیاسی در جهت اهداف القاعده کند. نتیجه اقدامات القاعده این شد که ایالات متحده پس از ۱۱ سپتامبر، جنگ علیه تروریسم را اعلام کرد.^۲ بیشترین تاثیر اقدامات القاعده این بود که در کشورهایی که حملات تروریستی انجام داده، مسلمانان به عنوان یک جامعه متهم و مورد انزجار شناخته شوند؛ در واقع به نظر می‌رسد، تقریباً هیچ تغییر سیاسی دیگری ایجاد نشده است.^۳ برخی از افرادی که در اوایل دهه ۱۹۸۰ توسط القاعده جذب شدند، ممکن است برای یک هدف سیاسی به این گروه پیوسته باشند؛ اما به نظر می‌رسد، حتی در آن زمان، دیدگاه‌های افراطی القاعده در مورد اسلام باعث جذب بسیاری از افراد به القاعده باشد؛ به نظر می‌رسد، پیوستن اعضا القاعده با هدف ایجاد تغییر در نظام بین‌المللی ای است که ایالات متحده، قدرت (هژمون) بزرگ آن شناخته می‌شود؛ همچنین می‌توان گفت که القاعده می‌خواهد، با قوانین شریعت، جهان غرب را به یک کشور اسلامی تبدیل کند و اطمینان حاصل کند که سیاست‌مداران، به گونه‌ای حکومت می‌کنند که تعالیم افراطی اسلام را حفظ کنند.^۴

از این رو، در مقایسه میان این دو گروه می‌توان گفت، شکل‌گیری بوکوحرام و مبارزه با دولت فاسد نیجریه، به دلیل عدم رضایت مردم است که ایجاد یک کشور اسلامی در مرزهای نیجریه را مدنظر داشته‌اند؛ ولی هدف از ایجاد القاعده در ارتباط با تئوری سیاسی خشم علیه سیاست‌های جهانی، به ویژه بخش‌های غربی جهان است. القاعده می‌خواهد با انجام حملات تروریستی علیه جامعه مدنی، دولت‌های سایر کشورها را به تغییرات سیاسی وادار کند.

از جمله محورهای مقایسه میان القاعده و بوکوحرام، رابطه میان عوامل اقتصادی و

1. Weinberg, L, "Deomcracy and Terrorism." In The Roots of Terrorism, p 47.
2. Wedgwood, R, "Al Qaeda, Terrorism, and Military Commissions.", p 33; Baker, P, Cooper, H, & Mazzetti, M, "Bin Laden Is Dead, Obama Says.", p 1.
3. Juergensmeyer, M, "Religion as a Cause of Terrorism." In The Roots of Terrorism, pp 134-35.
4. Gunaratna, R, "Al Qaeda's Organizational Structure and its Evolution." Studies in Conflict & Terrorism, p 1054.

گسترش تروریسم در آنهاست. برخی معتقدند که به طور کلی، اقتصاد هیچ ارتباطی با تروریسم ندارد؛ چراکه اعضاء گروه‌های افراطی و تروریستی می‌توانند، افراد بسیار فقیر و بی‌سواد و یا افراد ثروتمند و تحصیل کرده باشند؛^۱ در مقابل به نظر برخی دیگر، یک ارتباط مشخصی در این میان وجود دارد. در نیجریه در سال ۲۰۱۰م، ۷۰ درصد مردم در فقر زندگی می‌کردند. گفته می‌شود که عامل اقتصادی، بزرگترین عامل برای پیوستن مردم به بوکوحرام نیست؛ با این حال، تروریسم به مشکلات دیگری از جمله فقر جمعی، بیکاری، کمبود نیازهای اساسی از جمله غذا، آموزش، بهداشت و مسکن ارتباط دارد. میلیون‌ها کودک به علت ترورها، امکان رفتن به مدرسه را از دست می‌دهند که باعث ایجاد سطح بالای بی‌سوادی می‌شود؛ در نتیجه، اثرگذاری بر آنها آسان‌تر می‌شود؛ چراکه ایشان توانایی زیر سوال بردن روایت‌ها و آموزه‌های گروه‌های افراطی را نخواهند داشت.^۲ در مقایسه با بوکوحرام، القاعده تنها در یک کشور یا یک منطقه مشخص مستقر نیست؛ برای همین امکان تاثیر نرخ فقر در گسترش آن دشوار است؛ علاوه بر این، بسیاری از اعضای القاعده ثروتمند و دارای تحصیلات کافی هستند.^۳ مسلماً، شکل‌گیری القاعده به دلیل عوامل اقتصادی نبوده است؛ اگرچه اهداف اقتصادی مانند توزیع پول به سازمان‌های وابسته به خود را داشته است؛ اما با این وجود، عوامل اقتصادی صرفاً دلیل اصلی وجود القاعده نیست؛ اما در مورد بوکوحرام، هم علت شکل‌گیری و هم اهداف این گروه، به عوامل اقتصادی مرتبط است.

۳/۲. علل و اهداف مذهبی

پیوند میان دین و تروریسم امروزه در غرب، یک تلقی کاملاً رایج است و غربی‌ها ارتباط اسلام با تروریسم را کاملاً پذیرفته‌اند؛ حتی پیش از آنکه بدانند اسلام چیست و بر چه اساسی این اتفاقات می‌افتد. این تصور عمومی از اسلام و نگاه تروریست بودن به تمام مسلمانان، در سراسر جهان به یک مسئله و چالش بزرگ تبدیل شده است.^۴ القاعده و

1. Gurr, T R, "Economic Factors." In *The Roots of Terrorism*, pp 85-6.

2. Onuoha, F, "Special Report: Why Do Youth Join Boko Haram.", pp5-7.

3. Gurr, T R, "Economic Factors." In *The Roots of Terrorism*, pp 85.

4. Juergensmeyer, M, "Religion as a Cause of Terrorism." In *The Roots of Terrorism*, pp 134-35.



بوکوحرام نیز به عنوان دو گروه بزرگ تروریستی - اسلامی در جهان شناخته می شوند.^۱ حملات تروریستی آنها به نام اسلام انجام می شود. مسئله این است که القاعده و بوکوحرام، اسلام را به گونه ای تفسیر می کنند که دور از نگاه صحیح نسبت به دین است. مسلمان بودن و بنیادگرایی اسلامی دو موضوع کاملاً متفاوت است؛^۲ همان طور که قبلاً در عوامل اقتصادی ذکر شد، کم سواد می تواند پیامدهایی داشته باشد. شخص بی سواد باید به مبلغین اعتماد کند تا محتوای متون مقدس و دینی را به آنها بگوید. ناآگاهی از تعالیم دینی یکی از عوامل اصلی چرایی پیوستن مردم به سازمان های افراطی در نیجریه است؛ در واقع آنچه در متون مقدس دینی آمده، به مردم بی سواد آموزش داده نمی شود؛ در عوض، آنها به آن چیزی اعتقاد پیدا می کنند که شخص افراطگرا از آنها می خواهد؛^۳ حتی اگر بوکوحرام از ابتدا به عنوان یک فرقه مذهبی ایجاد شده باشد، مذهب در نیجریه امروز مسئله و چالش اصلی نیست.^۴ برخلاف بوکوحرام، القاعده در حال انجام «جهاد جهانی» است^۵ و این تفاوتی مهم بین بوکوحرام و القاعده است. القاعده می خواهد به سراسر جهان حمله کند؛ در حالی که بوکوحرام، نیجریه را به عنوان مرکز اصلی قرار داده است.^۶

دین برای هر دو سازمان شاخص مهمی است. با این وجود، در مقایسه با بوکوحرام، علت شکل گیری و اهداف القاعده، بسیار بیشتر تحت تأثیر عوامل مذهبی است. اهداف القاعده تبدیل جهان به یک کشور اسلامی است که تحت قوانین شریعت اداره می شود. دلیل تأسیس بوکوحرام نیز مانند القاعده، در ابتدا تحت تأثیر مذهب بود و آنها نیز قصد

1. Gunaratna, R, "Al Qaeda's Organizational Structure and its Evolution." *Studies in Conflict & Terrorism*, p 104; Pate, A, "Boko Haram: An Assessment of Strengths, Vulnerabilities, and Policy Options", p 13.

2. Juergensmeyer, M, "Religion as a Cause of Terrorism." In *The Roots of Terrorism*, pp 138-39.

3. Onuoha, F, "Special Report: Why Do Youth Join Boko Haram." pp5-7.

4. Nkechi, A, *Boko Haram and National Security Challenges in Nigeria; Causes and Solutions*, p 16.

5. Gunaratna, R, "Al Qaeda's Organizational Structure and its Evolution." *Studies in Conflict & Terrorism*, p 1054.

6. Okeke Uzodike, U & Onapajo, H, *Boko Haram terrorism in Nigeria*, p 35; Mahan, S & Griset, P, *Terrorism in Perspective*, P 93.

ایجاد یک کشور اسلامی را داشتند؛ اما این هدف محدود به جغرافیای نیجریه بود. تفاوت این دو در عدم ادامه دار بودن اهداف مذهبی است. با مطالعه بوکوحرام معلوم می‌شود، دین و عدالت، بیش از آنکه هدف باشد، شیوه‌ای برای جذب اعضای جدید است؛ البته این به معنای مورد نظر نبودن دین نیست؛ بلکه به معنای این است که هدف اصلی برای پیوستن به بوکوحرام نیست.

۴. شیوه عمل القاعده و بوکوحرام

ساختار القاعده بسیار پیچیده است. این سازمان بزرگ دارای پنج قسمت است که عبارات اند از:

۱. از رهبری راهبردی غالباً بعنوان "القاعده مرکزی" نام برده می‌شود و احتمالاً در پاکستان اقامت داشته که شامل هسته‌ی اصلی رهبری، مدیران سطح بالا و استراتژیست‌ها است که راهنمایی، بودجه و جهت‌گیری‌های راهبردی را ارائه می‌دهند؛ اگرچه آنها هسته‌ی اصلی جنبش هستند، اما بر بسیاری از جنبه‌های القاعده به معنای وسیع آن مستقیماً فرماندهی نمی‌کنند. با این وجود، آنها پیام اصلی را به پیروانشان در سراسر جهان اسلام و فراتر از آن ارائه می‌دهند.

۲. جنبش‌های وابسته و مرتبط: این شاخه از القاعده، سطوح مختلفی از حمایت راهبردی رهبری القاعده را دریافت می‌کند؛ با این حال، آنها بخش‌های مستقل از یک سازمان هستند؛ نه زیرمجموعه‌های مستقیم. برخی ممکن است آموزش و بودجه دریافت کرده و برخی دیگر به آسانی تعهد خود را به اصول القاعده اعلام کرده باشند.

۳. پیروان مستقل ممکن است مدتی را در اردوگاه‌های آموزشی القاعده گذرانده باشند. آنها یا از مبارزان سابق هستند که دیگر با گروه سازمان یافته قبلی در ارتباط نیستند؛ یا افرادی که رادیکال می‌شوند و عضویت خود را اعلام می‌کنند. بسیاری نیز فقط در مورد جنبش مطالعه کرده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که آموزه‌های آن را بپذیرند.

۴. ایدئولوژی: رزمندگانی که در این گروه‌ها قرار می‌گیرند، معتقدند که تنها راه حل این است که پیشتاز مسلمانان، کل جهان اسلام را بسیج کنند و به پاخیزند و جهان غرب، از جمله رژیم‌های مرتد حامی آن را نابود کنند. این کار تا زمانی که قوانین



اسلامی بر هر یک از کشورهای خاورمیانه حاکم شود، باید از طریق جهاد همراه با خشونت انجام گیرد. آنها تکثرگرایی و قوانین دموکراتیک را برای محقق کردن جهان اسلام در محاصره غرب، رد می‌کنند.

۵. هویت سازمانی: علی‌رغم ایدئولوژی خشونت‌گرا و معتقد به حق حکومت برای خداوند که مورد حمایت نظریه‌پردازان آن است، القاعده به‌طور گسترده‌ای در جهان اسلام به رسمیت شناخته شده و محبوب و مورد توجه بسیاری در جهان اسلام است.^۱ بوکوحرام با القاعده پیوند داشته و این سازمان خود را نسخه‌ای از القاعده می‌داند. آنها از اسامه بن لادن حمایت کردند و اعلام کردند: تا زمانی که تمام کشور نیجریه کاملاً اسلامی نشود، اوامر فرماندهی بن لادن را انجام خواهند داد. برخی از اعضای بوکوحرام به اردوگاه‌های آموزشی در افغانستان رفته^۲ و مبالغ زیادی از وابسته القاعده در مغرب، دریافت کرده‌اند.^۳

با بررسی نظریه روانشناسی و به‌کارگیری آن در القاعده، می‌توان فهمید که رهبر از اهمیت زیادی برخوردار است. محققانی که عوامل روانی را عامل تروریسم می‌دانند، گاهی ادعا می‌کنند که رهبر یک سازمان تروریستی، می‌تواند دلیل پیوستن و ماندن افراد در گروه باشد.^۴ بن‌لادن به‌عنوان یک پیشرو و کاریزماتیک شناخته می‌شد و به اردوگاه‌های آموزشی خود نظر داشت. این نشان می‌دهد که او شخصیت بزرگ و اثرگذاری برای بسیاری از افراد بوده و هنوز هم هست.^۵ حتی بدون بن‌لادن و پس از او، القاعده هنوز هم از رهبری قدرتمندی برخوردار است و این می‌تواند دلیلی بر گفتگو و تلاش مردم برای عضویت سازمان باشد.^۶ بن‌لادن هنوز برای بسیاری از جوانان شهید است و قطعاً

1. Venhaus, J, "Special Report: Why Youth Join al-Qaeda." United States Institute of Peace, p 2-3.

2. Okeke Uzodike, U & Onapajo, H, *Boko Haram terrorism in Nigeria*, p 35 .

3. Chijioke, U, Okpaga, A, & Okechukwu Innocent, E, *Activities of Boko Haram and Insecurity Question in Nigera*, pp 83.

4. Post, J, "The Psychological Dynamics of Terrorism." In *The Roots of Terrorism*, p 21.

5. Wedgwood, R, "Al Qaeda, Terrorism, and Military Commissions.", p 330.

6. Venhaus, J, "Special Report: Why Youth Join al-Qaeda." United States Institute of Peace, p 2-3.

می‌تواند دلیلی برای انتخاب القاعده و پیوستن برخی به آن باشد؛^۱ در مقابل، نظریه رهبر قدرتمند در رابطه با بوکوحرام مطرح نیست. طی سال‌های گذشته، بوکوحرام رهبران زیادی داشته است؛ اما هیچ‌کس مانند بن‌لادن در القاعده به‌عنوان شخصیت کاریزماتیک تأثیرگذار نبوده است. با این حال، برای ادامه حیات جمعی، بوکوحرام از رهبری بزرگی برخوردار است که در جذب افراد مناسب برای پیوستن به آنها بسیار ماهر است؛ از نظر روانشناختی، بوکوحرام به بخشی از جمعیت که در قشر پایین جامعه هستند، روی می‌آورد که اکثرشان، افرادی هستند که از اداره ناعادلانه کشور توسط حاکمان بسیار ناراضی‌اند. آنچه که القاعده و بوکوحرام در آن مشترک هستند، این واقعیت است که آنها هنگام جذب افراد جدید، تلاش می‌کنند تفکر «ما» و «آنها» را ایجاد کنند. وقتی القاعده این کار را می‌کند، هدف اصلی آنها این است که تازه‌واردها باور کنند که غرب علیه آنهاست و آنها باید به نام اسلام با آن قسمت از جهان بجنگند؛ در طرف دیگر، بوکوحرام از نحوه اداره نیجریه ناراضی است و از آن برای ایجاد تفکر «ما» و «آنها» استفاده می‌کند.^۲ پدیده «شکاف» می‌تواند در مورد القاعده و بوکوحرام به کار رود. ترغیب جوانان بدون احساس هویت برای پیوستن به گروه‌های خشونت‌گرا و ترور، بسیار آسان است؛ چراکه استخدام‌کنندگان آنها را متقاعد می‌کنند که تروریسم، همان چیزی است که به زندگی آنها هدف می‌دهد. افرادی که قبلاً در جنگ و فقر متحمل خسارت شده‌اند، به راحتی قابل جذب هستند و حتی به آسانی به افراد انتقام‌جو تبدیل می‌شوند.^۳

درباره رویکرد روانشناختی اقدامات بوکوحرام می‌توان گفت که این گروه، سعی می‌کند شهروندان فقیر و تحصیل کرده را به مبارزان انتقام‌جو تبدیل کند و به آنها بقبولاند که عضو بودن در بوکوحرام، همان چیزی است که به زندگی آنها هدف و معنا می‌بخشد؛ بر اساس این نگاه، جمعیت زیاد فقیران و ناتوانان در نیجریه، در خدمت بوکوحرام است و اگر چنین نبود، این سازمان نمی‌توانست مانند امروز در اقدامات تروریستی، موفق باشد.

1. Post, J, "The Psychological Dynamics of Terrorism." In The Roots of Terrorism, p 21.

2. Mahan, S & Griset, P, *Terrorism in Perspective*, P 11.

3. Post, J, "The Psychological Dynamics of Terrorism." In The Roots of Terrorism, p 21

به نظر می‌رسد، هدف اصلی القاعده تا حدودی ایجاد تغییرات سیاسی است؛ برخلاف بوکوحرام که مسئله‌اش، رهبران سیاسی فاسد هستند؛ زیرا القاعده یک گروه تروریستی بین‌المللی است که به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود و به سختی می‌توان گفت که این سازمان، به‌عنوان یک مجموعه‌ای واحد، اهداف سیاسی داشته و یا اهداف کاملاً مذهبی را دنبال کرده است. القاعده در کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک فعال است که باعث می‌شود، تجزیه و تحلیل اینکه آیا حملات آنها مسئله‌ای سیاسی است یا نه؟ دشوارتر گردد؛^۱ برخلاف القاعده، بوکوحرام تقریباً همیشه اقدامات خشونت‌آمیز خود را در داخل مرزهای نیجریه انجام داده است؛ بنابراین به‌عنوان یک گروه تروریستی بین‌المللی دیده نمی‌شود؛^۲ تا زمانی که دولت به فساد در حکومت ادامه دهد و از حقوق شهروندی و آزادی‌های مدنی محافظت نکند، زندانی یا اعدام شدن تمام اعضای بوکوحرام اهمیتی نخواهد داشت؛ زیرا افرادی وجود دارند که آماده انجام اقدامات تروریستی هستند؛ چون احساس می‌کنند که از جامعه طرد شده‌اند.

هدف اقدامات بوکوحرام رسیدن به اهداف سیاسی خود با استفاده از اقدامات تروریستی در نیجریه است؛ البته، اقدامات القاعده، بسیار گسترده‌تر است؛ زیرا جهاد آنها علیه کل جامعه غربی است. هر دو سازمان ادعا می‌کنند که از اسلام پیروی می‌کنند؛ اما به نظر می‌رسد که آنها از دین برای توجیه حملات خود که واقعاً ناشی از اهداف سیاسی است، استفاده می‌کنند.

با نگاهی به شاخص‌های اقتصادی القاعده و همچنین بوکوحرام، طی سالیان گذشته مشخص می‌شود که هزینه‌ها توسط اهدا کنندگانی تأمین شده است که برخی از آنها بسیار ثروتمند بوده‌اند.^۳ القاعده دارای شبکه‌ای عظیم از مردم است. مردمی که به آنچه در سرتاسر جهان انجام می‌دهند، اعتقاد دارند و بسیاری از اعضای آنها تحصیل کرده و ثروتمند هستند؛ مانند بمب‌گذاران انتحاری و نیز هواپیماربایان القاعده در حملات ۱۱ سپتامبر که از طبقه متوسط بودند و از فقر رنج نمی‌بردند و از تحصیلات خوبی نیز

1. Weinberg, L, "Deomcracy and Terrorism." In *The Roots of Terrorism*, p 47.

2. Walker, A, *Special Report: What is Boko Haram?*, p 3.

3. Walker, A, *Special Report: What is Boko Haram?*, pp 3- 4; Venhaus, J, "Special Report: Why Youth Join al-Qaeda." *United States Institute of Peace*, p 2-3.

برخوردار بودند.^۱ ایشان برخلاف اعضای بوکوحرام، حملات خود را برای غرض دینی و غیر از پول انجام می‌دهند. می‌توان ادعا کرد که بوکوحرام در مورد فقر، در مقایسه با القاعده با عوامل اقتصادی ارتباط بیشتری دارد؛ بدین معنی که بیشتر فقیران در نیجریه به تروریسم روی می‌آورند؛ زیرا گزینه دیگری ندارند.

نیجریه جمعیت زیادی از مسلمانان را در اختیار دارد و بنابراین می‌توان ادعا کرد که دین، هدف اصلی پیوستن مردم به بوکوحرام نیست. از اسلام برای ترغیب جوانان در تبدیل شدن به اسلام‌گرایان مبارز و بمب‌گذاران انتحاری استفاده می‌شود.^۲ القاعده و همچنین بوکوحرام، اسلام را تحریف کرده و به چیزی غیر اسلام تبدیل کرده‌اند و از تفسیر افراطی دین، به‌عنوان ابزاری برای توجیه اقدامات خشونت‌آمیز خود استفاده می‌کنند. شایعات مربوط به اردوگاه‌های آموزشی بن‌لادن باعث شد، تا هزاران نفر به گسترش آموزش‌های افراطی اسلام و جهاد علاقه‌مند شوند. به‌نظر می‌رسد که این آموزه‌های افراطی، باعث شد، افراد جدیدی وارد القاعده شوند؛ بنابراین، می‌توان گفت که این رویکرد افراطی به دین، عاملی مهم و شاید مهمترین عامل در جذب و گسترش این دو گروه باشد؛ چراکه مردم از بسیاری از مناطق غرب آسیا و همچنین آفریقا، برای تبدیل شدن به اسلام‌گرایان مبارز در ارتش تروریستی القاعده، ترک وطن کرده‌اند.^۳

نتیجه

شکل‌گیری القاعده متأثر از عوامل مذهبی و سیاسی بود که به‌عنوان اسلام‌گرایی و با اعلام جهاد جهانی علیه آمریکا و متحدانش شناخته شد. تبدیل جهان به یک دولت اسلامی و نظام دینی، یک رویکرد و هدف کاملاً روشن مذهبی است که سیاست، وسیله‌ای برای رسیدن به آن است. عامل سیاسی، کمترین عامل مورد استفاده القاعده در روند اقدامات آنها است.

به‌نظر نمی‌رسد، عوامل اقتصادی و روانشناختی در ایجاد القاعده تاثیر چندانی

1. Gurr, T R, "Economic Factors." In *The Roots of Terrorism*, pp 85.

2. Onuoha, F, "Special Report: Why Do Youth Join Boko Haram.", pp5-7.

3. Walker, A, *Special Report: What is Boko Haram?*, p 4; Mahan, S & Griset, P, *Terrorism in Perspective*, P 93.



داشته باشد. ولی برای رسیدن به اهداف از عوامل روانشناختی مانند بهره‌گیری از رهبر کاریزماتیک استفاده کرده است که نقش بسزایی در جذب افراد و گسترش آن دارد؛ همچنین عامل اقتصادی مانند تامین مالی گروه‌های وابسته در محکم کردن رابطه با شاخه‌ها و گروه‌های همسو بسیار اثربخش بوده است؛ کما اینکه بوکوحرام تا ۲۰۱۵م، از وابستگان القاعده بود.

بوکوحرام نیز اگرچه خاستگاه مذهبی دارد، اما عوامل سیاسی و اقتصادی مانند فساد اداری و فقر مردم، در شکل‌گیری و جذب اعضاء آن نقش اساسی داشته است. عامل مذهب و عوامل روانشناختی در هدف و فراگیر شدن این گروه، نقش بسیار کمتری داشته است؛ البته تلاش برای تغییر نظم سیاسی و اداره کشور بر اساس قوانین اسلامی افراطی در نیجریه و سرنگونی دولت فاسد، نشان از تاثیر مذهب بر اهداف سیاسی دارد. همچنین بوکوحرام از عوامل مذهبی به همان شیوه القاعده برای توجیه حملات استفاده می‌کند. استفاده از تفکر «ما» و «آنها» نیز از جمله عوامل روانشناختی است که بوکوحرام و القاعده، به وسیله آن، اعضای خود را برای انجام وظایف مورد نیاز گروه برای رسیدن به اهداف خود ترغیب می‌کنند.

به طور خلاصه، این دو سازمان هر دو از نظر علت ایجاد، اهداف و روند عمل، متفاوت هستند. عامل مشترک هر دو مذهب است؛ اگرچه شاخص مذهبی در القاعده شیوع بیشتری دارد، با این وجود، هنوز هم یک عامل مهم در بوکوحرام است. سه عامل دیگر بسته به سازمان، در سطح تاثیر متفاوت هستند. عوامل اقتصادی و سیاسی از عوامل اصلی گسترش بوکوحرام است. عامل مذهبی همراه با عامل سیاسی، عامل اصلی ایجاد القاعده است. از منظر روانشناختی، می‌توان بخش‌هایی از این مولفه را در هر دو سازمان ردیابی کرد، که فقط در رهبر قدرتمند القاعده، قابل توجه است.

1. Adesoji, A, "The Boko Haram Uprising and Islamic Revivalism in Nigeria". Africa Spectrum, Vol. 45, No. 2, 2010, pp. 95-108.
2. Adesoji, A, "Between Maitatsine and Boko Haram: Islamic Fundamentalism and the Response of the Nigerian State", Africa Today, Vol. 57. No. 4, 2011, pp. 98-119.
3. Chijioko, U, Okpaga, A & Okechukwu Innocent, E, Activities of **Boko Haram and Insecurity Question in Nigeria**. Arabian Journal of Business and Management Review, 1, 09.04.2012, pp. 77-99.
4. Gunaratna, R, "Al Qaeda's Organizational Structure and its Evolution." Studies in Conflict & Terrorism, 2010.
5. Gurr, T R, "Economic Factors." In The Roots of Terrorism, by Louise Richardson, New York: Routledge, 2006.
6. Helfstein, S, "Socail Capital and Terrorism." Defense and Peace Economics, p. 363-380, 2013.
7. Juergensmeyer, M, "Religion as a Cause of Terrorism." In The Roots of Terrorism, by Louise Richardson, pp. 133-144. New York, Routledge, 2006.
8. Landman, T & Robinson, N, **The SAGE Handbook of Comparative Politics**, Los Angeles: SAGE Publications Ltd, 2009.
9. Mahan, S & Griset, P, **Terrorism in Perspective**. Vol. 2. Thousan Oaks: Sage Publications Inc, 2008.
10. Nkechi, A, **Boko Haram and National Security Challenges in Nigeria; Causes and Solutions**. Journal of Economics and Sustainable Development, 4 (5), 2013, pp. 12-24.
11. Okeke Uzodike, U., & Onapajo, H, **Boko Haram terrorism in Nigeria**. *African Security Review*, 22.08.2012, pp. 24-39.
12. Onuoha, F, "Special Report: Why Do Youth Join Boko Haram." United States Institute of Peace, 2014,
13. Pate, A, "Boko Haram: An Assessment of Strengths, Vulnerabilities, and Policy Options", College Park, 2014.
14. Post, J, "The Psychological Dynamics of Terrorism." In The Roots of Terrorism, by Louise Richardson, New York, Routledge, 2006.
15. Schmid, A, & Jongman, A, Political Terrorism: A New Guid to Actors, Authors, Concepts, Data Bases, Theories, & Literature. New York: Transaction Publishers, 1988.
16. Sedgwick, M, "Al-Qaeda and the Nature of Religious Terrorism." Terrorism and Political Violence, 2004.
17. Venhaus, J, "Special Report: Why Youth Join al-Qaeda." United States Institute of Peace, 2010.
18. Walker, A, Special Report: **What is Boko Haram?** United States Institute of Peace,



2012.

19. Wedgwood, R, "**Al Qaeda, Terrorism, and Military Commissions.**" American Society of International Law, 2002.
20. Weinberg, L, "**Democracy and Terrorism.**" In The Roots of Terrorism, by Louise Richardson, 45-56. New York: Routledge, 2006.
21. Zimmerman, K, "The al Qaeda Network a New Framework for Defining the Enemy", AEI' s critical Threats project, 2013.

اینترنت

1. Aljazeera, "Al-Shabab, the global jihad, and terrorism without borders", <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2013/09/al-shabab-global-jihad-terroris201392484238627603.html>.
2. Baker, P, Cooper, H, & Mazzetti, M, "Bin Laden Is Dead, Obama Says" www.nytimes.com. http://www.gasparpaya.com/pdf/usama_bin_laden_tnyt.pdf
3. Carnegie Council, "Holy War, Inc: Inside the Secret World of Osama bin Laden.", http://www.cceia.org/resources/transcripts/5444.html:pf_printable?
4. Human Rights Watch. (25.03.2015). Nigeria: At Least 1,000 Civilians Dead Since January. Urgent Need for Aid, Protection for Fleeing Civilians. Hämtat från www.hrw.org: <https://www.hrw.org/news/2015/03/26/nigeria-least-1000-civilians-deadjanuary>
5. Höjer, H, "Forskning och Framsteg. Hämtat från Antal döda i terrordåd år", fof.se, <http://fof.se/tidning/2015/1/artikel/18-000>